فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۵، صفحات ۱۰۹-۱۳۲

تحلیل و ارزیابی جامعه‌شناختی جایگاه زنان در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی
برنامه‌های اوّل تا پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (۱۳٦۸-۱۳۹٤)

محمّدتقی سبزه‌ای[۱]، همایون مرادخانی[۲]، مریم مجرد[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵

چکیده

هدف اصلی مقاله‌ی حاضر، شناخت و ارزیابی جایگاه زنان در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برنامه‌های اوّل تا پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران است. اهداف دیگر مقاله نیز عبارتند از: ارزیابی میزان موفّقیّت برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در برنامه‌های توسعه و شناخت الگوی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی جمهوری اسلامی درباره‌ی زنان. روش تحقیق مقاله‌ی حاضر، توصیفی- تحلیلی و شیوه‌ی جمع‌آوری اطّلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد و مدارک است. واحد تحلیل نیز برنامه‌های اوّل تا پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳٦۸ تا ۱۳۹٤ است.

برای پاسخ به پرسش اساسی مقاله، هفت شاخص فرهنگی موجود در برنامه‌های توسعه‌ی جمهوری اسلامی ارزیابی شده‌اند؛ این شاخص‌ها عبارتند از: «آموزش و سواد»، «ارتقای فرهنگ»، «اوقات فراغت»، «حقوق شرعی و قانونی»، «سازمان‌های غیردولتی»، «امنیّت اجتماعی و اخلاقی» و «مشارکت فرهنگی».

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد جایگاه زنان در جمهوری اسلامی ایران از ابعاد آموزشی، ارتقای فرهنگ، سازمان‌های غیردولتی، ورزش و اوقات فراغت، امنیّت اجتماعی و مشارکت فرهنگی، به‌تدریج بهبود نسبی پیدا کرده است. امّا از نظر شاخص حقوق شهروندی پیشرفت زیادی حاصل نشده و شاخص امنیّت اجتماعی و اخلاقی به کنترل بیش‌تر زنان در حوزه‌ی عمومی منجر شده است. الگوی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی زنان الگوی دولتی با دخالت بیشینه‌ی دولت و کمینه‌ی بخش خصوصی در تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی است.

واژه‌های کلیدی: زنان، سیاست‌های فرهنگی، برنامه‌های توسعه، سیاست‌گذاری فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی.

[۱] استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده‌ی مسؤول) moh_sabzehei@yahoo.com
[۲] استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه h.moradkhani@gmail.com
[۳] کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی mojarrad296@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدّمه و طرح مسأله

زنان در همه‌ی کشورها یکی از اهداف توسعه هستند و نقشی بسیار کلیدی در تحوّلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. نادیده گرفتن زنان به‌مثابه نیمی از نیروی انسانی جامعه در فرایند توسعه به معنای کامل نبودنِ برنامه‌های توسعه است. به همین سبب لازم است راهبردها و برنامه‌های توسعه، نیازهای گوناگون زنان را در حوزه‌های مختلف مدّنظر قرار دهند. هدف برنامه‌های توسعه درباره‌ی زنان، رشد استعدادها و توانایی‌های آن‌ها به منظور به‌کارگیری آنان در خدمت توسعه‌ی همه‌جانبه است.

در جهان امروز هدف همه‌ی دولت‌ها رسیدن به توسعه است که با تدوین برنامه‌های توسعه عملی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز همانند بسیاری از دولت‌های جهان (البتّه با تأخیری ۱۱ ساله از زمان استقرارش)، از سال ۱۳٦۸ برنامه‌های توسعه را تدوین کرد که در آن‌ها به نیازهای مختلف زنان و از جمله نیازهای فرهنگی آن‌ها کم‌وبیش توجّه شده است.

درباره‌ی جایگاه زنان در توسعه، بررسی‌ها و تحقیقات متعدّدی صورت گرفته که بیش‌تر به شاخص‌های اقتصادی نظیر اشتغال، مرگ‌ومیر، زاد و ولد و نیز بهداشت و درمان محدود شده‌اند، امّا این مطالعه درصدد است جایگاه زنان را در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی پس از انقلاب از منظر جامعه‌شناختی تحلیل و نقد کند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. زنان از چه جایگاهی در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران برخوردارند؟

۲. در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه چه شاخص‌هایی در ارتقای سطح فرهنگی زنان لحاظ شده‌اند؟

۳. مؤلّفه‌های ارتقای سطح فرهنگی زنان در برنامه‌های توسعه چه تغییراتی کرده‌اند؟

٤. آیا برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی از پیوستگی و انسجام لازم برخوردار بوده‌اند؟

۵. آیا به همه‌ی نیازهای فرهنگی زنان در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی توسعه توجّه شده است؟

٦. آیا نیاز به در نظر گرفتن شاخص‌های فرهنگی جدیدی در برنامه‌های آینده‌ی توسعه وجود دارد؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

روش پژوهش

روش تحقیق مقاله‌ی حاضر توصیفی- تحلیلی و شیوه‌ی جمع‌آوری اطّلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد و مدارک است. واحد تحلیل نیز برنامه‌های اوّل تا پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران است. داده‌های مورد نیاز از منابع اوّلیّه و ثانویّه جمع‌آوری شده‌اند. منابع اصلی شامل گزارش‌های رسمی دولتی به‌ویژه گزارش‌های سازمان مدیریّت و برنامه‌ریزی، مرکز آمار ایران، مرکز امور مشارکت زنان، سازمان برنامه و بودجه، قوانین برنامه‌های توسعه‌ی جمهوری اسلامی و سیاست‌های ستاد انقلاب فرهنگی و سایر منابع شامل آمار و اطّلاعات سازمان‌های مختلف و کتاب‌ها و نشریّات است.

بر اساس داده‌های پنج برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (۱۳٦۸-۱۳۹٤)، جایگاه فرهنگی زنان را بر اساس هفت شاخص فرهنگی زیر می‌توان بررسی و تحلیل کرد:

۱. آموزش و سواد: مقصود از آن، پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم، گسترش آموزش عالی و اعتلای موقعیّت زنان با آموزش است.

۲. ارتقای فرهنگ: منظور، رشد فکری-علمی، ارتقای سلامت روانی و جسمانی و مهارت‌های زندگی و دانش خانواده‌ی زنان است.

۳. اوقات فراغت و ورزش: منظور، توسعه‌ی اماکن و فضاهای سرپوشیده‌ی ورزشی برای زنان و توسعه‌ی ورزش مدارس دخترانه است.

٤. حقوق شرعی و قانونی: مقصود، حقوق شهروندی زنان است.

۵. سازمان‌های غیردولتی: منظور، مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های غیردولتی است.

٦. امنیّت اجتماعی و اخلاقی: منظور، اجرای امر به معروف و نهی از منکر و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در بین زنان است.

۷. مشارکت در امور فرهنگی: مقصود، مشارکت زنان در اموری نظیر مطالعات و تحقیقات درباره‌ی زنان، حضور در همایش‌ها و مجامع بین‌المللی و نیز همکاری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و محیط زیستی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

چارچوب نظری پژوهش

به‌طور کلّی سه الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جهان وجود دارد که کشورهای جهان بر اساس آن‌ها برنامه‌های فرهنگی خود را تدوین و اجرا می‌کنند. این سه الگو عبارتند از: الگوی دولتی، الگوی لیبرالی و الگوی جامعه‌ی مدنی.

الگوی دولتی سیاست‌گذاری فرهنگی

در این الگو، سیاست‌گذاری فرهنگی متمرکز است و از بالا انجام می‌شود؛ دولت برای تمام حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی حتّی حوزه‌ی خصوصی، برنامه‌ریزی و اهدافی را دنبال می‌کند که شامل کنترل عمومی بر ابزارهای تولید فرهنگی، مشارکت گروه‌های مختلف و دسترسی همه به تولیدات فرهنگی است. نظام‌های کمونیستی، سوسیالیستی و دینی از این الگو پیروی می‌کنند. الگوی دولتی از نظر شاخص وظایف، مسؤولیّت‌ها و محدوده‌ی مداخله‌ی دولت در فرهنگ به دو گروه تقسیم می‌شود: دخالت بیشینه‌ی دولت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی و دخالت کمینه یا متولّی‌گری دولت.

در دیدگاه اوّل، سیاست‌گذاری از بالا صورت می‌گیرد و اجرای سیاست‌های فرهنگی اساساً نوعی اعمال قدرت سیاسی بر جامعه است؛ به‌گونه‌ای که دولت در مرحله‌ی تشخیص مسأله و تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های عمومی، فصل‌الخطاب است (اشتریان، ۱۳۹۱: ۲۲۲). هدف دولت هدایت و سرپرستی همه‌ی شؤون زندگی اجتماعی در جهت سعادت، قانون‌مندی و ضابطه‌مندسازی فرهنگ، مقابله با هرج و مرج فرهنگی، اتّخاذ موضع فعّال فرهنگی در نظام موازنه‌ی جهانی، جلوگیری از ورود فرهنگ فاسد بیگانه به عرصه‌ی فرهنگ، حفظ استقلال فرهنگی و ... است (صالحی امیری و حیدری‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۹).

یکی از نمونه‌های الگوی سیاست فرهنگی دولتی، کشور فرانسه است. فرانسه از معدود کشورهای اروپایی است که در آن، سیاست فرهنگی کشور از سوی وزارت فرهنگ تدوین و اجرا می‌شود. بسیاری از نهادهای فرهنگی فرانسوی با سرمایه‌گذاری عمومی دایر شده‌اند و بر همین مبنا تحت کنترل مستقیم وزارت فرهنگ قرار داشته، با مقامات محلّی به صورت قراردادی عمل می‌کنند و نفوذ عمیقی در حیات فرهنگی ایالت‌های فرانسه دارند (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۲٦۷). فرانسه در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی، نظام فرهنگی شدیداً متمرکزی دارد (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۲٤) که دارای ویژگی‌های زیر است:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱. نقش مسلّط دولت در ایجاد فرهنگ والا و پرداخت یارانه‌های عمومی.
۲. بوروکراسی قدرتمند برای اجرای سیاست‌های فرهنگی که بیش‌تر در پایتخت متمرکزند.
۳. نگرش‌های ضدّ تجاری به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی.
٤. نگاه به فرهنگ به‌مثابه ابزاری برای مدرنیزه کردن جامعه (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۲٦۹).

دیدگاه دوم یا دخالت کمینه‌ی دولت در سیاست‌گذاری، معتقد است دولت باید از فعّالیّت‌ها و امور فرهنگی حمایت و بر آن‌ها نظارت کند؛ توسعه باید بر منابع انسانی جامعه و علایق و تمایلات اعضای جامعه مبتنی باشد (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۰۹)؛ مردم صاحبان فرهنگ هستند و خود باید مسؤول اجرای سیاست‌های فرهنگی باشند و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دولت باید معطوف به فراهم کردن بستر مناسب برای فعّالیّت‌های فرهنگی مردم باشد (اشتریان، ۱۳۹۱: ۲۱٤). نمونه‌ی این مدل، کشور سوئد است که در آن اگرچه دولت بودجه‌ی نهادهای فرهنگی محلّی و منطقه‌ای را تأمین و بر آن‌ها نظارت می‌کند، امّا نامتمرکز است (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۲۷۰–۲۷٦). سوئد برخلاف فرانسه چارچوب نهادینی برای مشارکت همگانی وسیع‌تر در فعّالیّت‌های فرهنگی فراهم کرده است و از آن‌ها حمایت می‌کند.

الگوی لیبرالی سیاست‌گذاری فرهنگی

در این الگو بخش خصوصی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی مسلّط است و نهادهای مدنی، سازمان‌های عمومی و شرکت‌های بزرگ اقتصادی، کارگزاران اصلی اجرای سیاست‌های فرهنگی هستند. دولت‌ها دارای هویّت و نقش تبعی‌اند و در حوزه‌ی فرهنگ به صورت واسطه عمل می‌کنند و وظیفه‌ی آن‌ها تنها تأمین خدمات و امکانات برای فعّالیّت‌های فرهنگی است (همان: ۳۲۲). نمونه‌ی این مدل سیاست‌گذاری فرهنگی، کشور آمریکا است. دولت آمریکا دارای وزارت فرهنگ نیست، بلکه دارای سازمان فرهنگ خصوصی است و با حمایت‌های مالی بخش خصوصی و کمک‌های حکومتی اداره می‌شود. سیاست کشور در عرصه‌ی فرهنگ، سیاست لسه‌فر است که بر مبنای رقابت بخش خصوصی و عدم مداخله‌ی دولت قرار دارد. بر اساس این الگو، تنظیم سیاست‌های هماهنگ فرهنگی تأثیر مختل‌کننده‌ای بر فعّالیّت سازمان‌های خصوصی دارد و به مداخله‌ی نابه‌جای دولت در توسعه‌ی فرهنگی منجر می‌شود که ممکن است سازنده نباشد و اثری منفی بر فرهنگ بگذارد (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۰). ویژگی‌های مدل سیاست فرهنگی آمریکایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱. قدرت مسلّط بخش خصوصی در زمینه‌ی اعطای اعتبارات مالی برای فرهنگ؛ به‌گونه‌ای که دولت فقط نقش پشتیبانی دارد.
۲. شبکه‌ی نامتمرکز سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی؛ به‌گونه‌ای که دولت فدرال نقش مشوّق دارد.
۳. فقدان برنامه‌ی روشن و صریح عمومی برای فرایند سیاست فرهنگی.
٤. فقدان مبنای عمومی حمایت از سنّت فرهنگ والا و فرهنگ عامه برای فعّالیّت‌های فرهنگی (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

الگوی مدنی سیاست‌گذاری فرهنگی

اگرچه در این الگو بودجه‌ی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی از سوی دولت تأمین می‌شود، امّا تصمیم‌گیری فرهنگی به سازمان‌های جامعه‌ی مدنی که واسط بین دولت و جامعه هستند، واگذار می‌شود. سازمان‌های مدنی جزء دولت و بازار نیستند، بلکه به مردم تعلّق دارند و همکاری در آن‌ها خودجوش و داوطلبانه است (فاضلی، ۱۳۸٦: ۱۲۵). طرفداران این دیدگاه، عمده‌ترین دلیل دخالت نکردن دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی را پاسداری از آزادی فکر می‌دانند؛ زیرا دخالت دولت موجب محدودیّت آزاداندیشی می‌شود (رضایی، ۱۳۸۱: ٦۸). این دیدگاه معتقد است که فرهنگ در بستر زندگی روزمرّه‌ی مردم جریان دارد و دولت باید از سیاست‌گذاری‌های فرهنگی حمایت نماید و در آن‌ها دخالت نکند. هم‌چنین برنامه‌ریزی فرهنگی باید مشارکت‌جویانه و مبتنی بر نیازها و ذائقه‌ی فرهنگی مردم باشد (صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷: ۲۵). نمونه‌ی این مدل سیاست‌گذاری فرهنگی، بریتانیا است که بر نهادهای مدنی استوار است. در این کشور سنّت متفاوتی از نهادهای میانجی بین دولت از یک‌سو و جامعه‌ی مدنی و بازار از سوی دیگر، وجود دارد. این سازمان‌ها دولتی هستند، امّا زیر سلطه‌ی دولت نیستند. سازمان‌هایی نظیر بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا (بی‌بی‌سی)، شورای هنرها و میراث انگلستان بر اساس چنین سازوکاری عمل می‌کنند و حکومت‌ها نیز از طریق تخصیص کلّی منابع چنین سازمان‌هایی را کنترل می‌نمایند، امّا نظارت اجرایی بر آن‌ها ندارند (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۲۱۵ و ۲۲۷).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

الگوی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی

سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دولتی، متمرکز و با دخالت بیشینه‌ی دولت در امور فرهنگی است که در آن بخش خصوصیِ فرهنگ، بسیار ضعیف و به‌شدّت وابسته به دولت است (وحید، ۱۳۸۱: ۱۵). این موضوع به‌خوبی در اصل ٤٩ و ٥٠ سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی مشهود است. شورای عالی انقلاب فرهنگی «به‌عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری تعیین خط مشی، تصمیم‌گیری، هماهنگی و هدایت امور فرهنگی و آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلّی نظام محسوب می‌شود که تصمیمات و مصوّبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲). این شورا موظّف به سیاست‌گذاری فرهنگی بر اساس سیاست‌های کلّی ابلاغی از سوی رهبری است و در رده‌ی پایین‌تر از آن نهادهایی نظیر شورای فرهنگی عمومی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر امور فرهنگی معاونت نظارت راهبردی ریاست جمهوری و کمیته‌ی فرهنگی دولت قرار دارند (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۸٤). از وظایف اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین مبانی، اهداف، اصول فعّالیّت‌ها و سیاست‌های فرهنگی کشور است. «اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» که از سوی این شورا تصویب می‌شوند و لازم‌الاجرا هستند، عبارتند از (وحید، ۱۳۸٦):

۱. تلاش مستمر در جهت رشد علمی، فرهنگی و فنّی جامعه و فراگیر شدن امر سواد و تعلیم و تربیت.

۲. پاسداری از حریّت و امنیّت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی و اقتصادی.

۳. ترویج روحیّه‌ی قیام به قسط و عدالت اجتماعی.

٤. پرورش روح و جسم با اهتمام همه‌جانبه به امر ورزش به‌عنوان یک ضرورت مهمّ اجتماعی.

۵. اهتمام همه‌جانبه به‌منظور شناخت مقتضیّات جسمی و روحی نسل جوان کشور و فراهم آوردن زمینه‌های تعالی شخصیّت علمی و مشارکت هرچه بیش‌تر آنان در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی.

٦. تقویت شخصیّت و جایگاه واقعی زن مسلمان به‌عنوان مادر و مربّی نسل آینده و اهتمام به مشارکت فعّال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی و مبارزه با بینش‌ها و اعتقادات نادرست در این زمینه.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۷. گسترش زمینه‌ی مشارکت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی و هم‌چنین حمایت از فعّالیّت‌ها و اقدامات غیردولتی به‌منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه‌ی امور فرهنگی با نظارت دولت.

۸. گسترش روحیّه‌ی نقد و انتقادپذیری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی و همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر بر مبنای حکمت و جدال به آن‌چه احسن است (اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوّب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱: ٦١).

شورای عالی انقلاب فرهنگی علاوه بر نظارت، مسؤول اجرای اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی است. نهاد رسمی اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که زیر نظر ریاست جمهوری انجام وظیفه می‌کند. وزارت‌خانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت امور خارجه و سازمان‌های صدا و سیما و تربیت‌بدنی مجریان سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران هستند. امّا سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی زنان با سازوکارها و نهادهای زیر انجام می‌شود:

الف) نهادهای خاص: شامل کمیته‌ی خاصّ بانوان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای فرهنگی- اجتماعی زنان، بخش خواهران سازمان تبلیغات اسلامی، مشاور امور فرهنگی بانوان در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و بسیج خواهران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ب) سازوکارهای نهادی در قوای سه‌گانه: نهادهای زنان در قوه‌ی مجریّه عبارتند از: مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری، کمیسیون‌های امور بانوان وزارت کشور و تشکیلات خاصّ زنان در سایر وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی. کمیسیون‌های استانی امور بانوان وزارت کشور به‌عنوان زیرمجموعه‌های شورای اجتماعی استان‌ها از سال ۱۳٦۹ فعّالیّت می‌کنند. هدف از تشکیل این کمیسیون‌ها، ایجاد زمینه‌ی مساعد برای رشد شخصیّت زنان، شناخت مسائل و مشکلات و افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی آن‌ها عنوان شده است. در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های قوه‌ی مجریّه نیز تشکیلات خاصّی برای زنان تأسیس شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اداره‌ی امور زنان روستایی وزارت جهاد سازندگی، حوزه‌ی مشاوره‌ی امور زنان در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاون امور ورزشی بانوان و اداره کلّ ورزش بانوان در سازمان تربیت بدنی. در قوه‌ی مقنّنه نیز کمیسیون امور خانواده، زنان و جوانان مجلس شورای اسلامی و دفتر امور زنان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دو نهاد عمده برای بررسی مسائل زنان در مراکز تصمیم‌گیری هستند. در قوه‌ی قضاییّه اداره کلّ امور زنان مسؤول بررسی مسائل حقوقی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

زنان، تشخیص موانع و مشکلات قضایی آنان و ارائه‌ی راه حل‌های مناسب برای رفع آن‌هاست (اوّلین گزارش ملّی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸: ۱٤٦).

تحلیل و بررسی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

در این بخش مهم‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی را که در برنامه‌های توسعه‌ی جمهوری اسلامی ذکر شده‌اند، در هفت شاخص بررسی و تحلیل می‌کنیم:

آموزش و سواد

در برنامه‌ی اوّل توسعه به افزایش سواد و دانش عمومی دختران لازم‌التعلیم به منظور کاهش جمعیّت و افزایش مشارکت فرهنگی زنان در جامعه اشاره شده است (برنامه‌ی اوّل توسعه، ۱۳٦۸-۱۳۷۲: ۲۳). برنامه‌ی دوم توسعه، ادامه‌ی برنامه اوّل درباره‌ی جمعیّت است و در بند «الف» از بخش سیاست‌های کلّی، به افزایش آگاهی‌های عمومی افراد جامعه در زمینه‌ی مسائل مربوط به رشد بی‌رویّه‌ی جمعیّت از طریق آموزش در مقاطع سنّی باروری زنان اشاره کرده است (برنامه‌ی دوم توسعه، ۱۳۷٤-۱۳۷۸: ٥٦). در بندهای «الف» و «د» از ماده‌ی ۱۵۸ برنامه‌ی سوم توسعه به نیازهای آموزشی زنان به‌ویژه زنان مناطق محروم اشاره شده و مرکز امور مشارکت زنان را مسؤول انجام اقدامات لازم در این زمینه شناخته است (برنامه‌ی سوم توسعه، ۱۳۷۹-۱۳۸۳: ٤۱۸). در ماده‌ی ۵۲ از برنامه‌ی چهارم توسعه بر دسترسی فرصت‌های برابر آموزشی برای دختران در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته تأکید شده است که باید با مشارکت‌های مردمی و همکاری سازمان‌های غیردولتی انجام شود (برنامه‌ی چهارم توسعه، ۱۳۸٤-۱۳۸۸: ۹۵). ماده‌ی ۵۲ برنامه‌ی چهارم نیز سیاستی مشابه با ماده‌ی ۱۵۸ برنامه‌ی سوم را درباره‌ی آموزش و سواد زنان دنبال کرده و در برنامه‌ی پنجم سواد از برنامه حذف شده است.

ارتقای فرهنگ

در برنامه‌ی اوّل توسعه در بند ۳، به منظور «ارتقای فرهنگ عمومی جامعه» بر نقش مشارکت فرهنگی زنان و اجتناب از تفکّر دولتی نمودن امور فرهنگی تأکید شده است (برنامه‌ی اوّل توسعه، ۱۳٦۸-۱۳۷۲: ۱۹). در بخش سیاست‌های کلّی، به منظور کنترل رشد جمعیّت کشور و افزایش مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان، بر افزایش آگاهی بانوان با آموزش تأکید گردیده است

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

(برنامه‌ی اوّل توسعه، ۱۳٦۸-۱۳۷۲: ۲۳). در برنامه‌ی دوم توسعه در بندهای ۹، ۱۲ و ۱۳، بخش خط مشی‌های اساسی، برای ارتقای فرهنگ عمومی جامعه، به امر ورزش و اوقات فراغت زنان توجّه شده و آن را وسیله‌ای برای مشارکت فرهنگی زنان بر اساس شخصیّت اسلامی معرّفی کرده است (برنامه‌ی دوم توسعه، ۱۳۷٤-۱۳۷۸: ۳۹). هم‌چنین در این برنامه در بند «الف» و «ب» از بخش سیاست‌های کلّی، بر افزایش آگاهی‌های عمومی به‌ویژه آگاهی بانوان در زمینه‌ی کنترل جمعیّت تأکید شده (برنامه‌ی دوم توسعه، ۱۳۷٤-۱۳۷۸: ٥٦۹) که ادامه‌ی سیاست کنترل موالید برنامه‌ی اوّل توسعه است. بند «الف» از ماده‌ی ۱۱۱ برنامه‌ی چهارم توسعه بر افزایش مشارکت زنان با ایجاد سازمان‌های غیردولتی زنان تأکید کرده است (برنامه‌ی چهارم توسعه، ۱۳۸٤-۱۳۸۸: ۱۳۱). برنامه‌ی پنجم توسعه در ماده‌ی ۲۳۰، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب زنان را راهی برای ارتقای فرهنگی آن‌ها معرّفی کرده که در آن سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی نقش محوری دارد (برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۹۰-۱۳۹٤: ۲۳٤).

ورزش و اوقات فراغت

در برنامه‌ی اوّل توسعه در بخش سیاست‌های کلّی، در بخش تربیت بدنی کشور، در بندهای ۷ تا ۹ به «ورزش بانوان» اشاره شده است. در برنامه‌ی دوم توسعه نیز در بند ۱۲ و تبصره‌ی ٦٥ برای ارتقای فرهنگ عمومی جامعه، ورزش و اوقات فراغت بانوان و دانش‌آموزان مورد اشاره قرار گرفته است (برنامه‌ی دوم توسعه، ۱۳۷٤-۱۳۷۸: ۲۷ و ۳۹). بند «الف» از ماده‌ی ۱٥۸ برنامه‌ی سوم توسعه به نیازهای ورزشی و تربیت بدنی زنان (برنامه‌ی سوم توسعه، ۱۳۷۹-۱۳۸۳: ٥۷) و بند ۳ از ماده‌ی ۱۱۷ برنامه‌ی چهارم توسعه به ارتقای ورزش مدارس و دانشجویی و ایجاد امکانات ورزشی برای قشر زنان اشاره کرده است (برنامه‌ی چهارم توسعه، ۱۳۸٤-۱۳۸۸: ۱۳٦). برنامه‌ی پنجم توسعه در ماده‌ی ۲۳۰ با هدف تقویت جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی، «برنامه‌ی جامع توسعه‌ی امور زنان و خانواده» را بر محور اوقات فراغت زنان تصویب نموده است (برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۹۰-۱۳۹٤: ۲۳٤).

حقوق شرعی و قانونی

در برنامه‌های اوّل و دوم توسعه هیچ اشاره‌ای به حقوق زنان نشده است. نخستین بار در ماده‌ی ۱٥۸ برنامه‌ی سوم توسعه در بندهای «ج» و «د»، به تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان گروه‌های

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

محروم جامعه در زمینه‌ی حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی اشاره شده است (برنامه‌ی سوم توسعه، ۱۳۷۹–۱۳۸۳: ٤۱۸). در بند «ج» از ماده‌ی ۱۵۸ این برنامه به بررسی نظام حقوقی و قضایی زنان در راستای اجرای نظام جامع حقوقی و قضایی زنان و بررسی مسائل و مشکلات حقوقی آن‌ها اشاره گردیده است (گزارش اجرای ماده‌ی ۱۵۸ قانون برنامه‌ی سوم توسعه، ۱۳۷۹–۱۳۸۳: ٦۸). در برنامه‌ی چهارم توسعه در بند «د» از ماده‌ی ۱۰۰ ذکر شده که به منظور ارتقای حقوق انسانی، منشور حقوق شهروندی مشتمل بر تأمین آزادی و امنیّت لازم برای رشد تشکّل‌های اجتماعی در زمینه‌ی صیانت از حقوق زنان تنظیم می‌شود. این برنامه در بند «ه» از ماده‌ی ۹۸ به تدوین و تصویب طرح جامع حمایت از حقوق زنان در ابعاد حقوقی و فرهنگی اشاره کرده است (برنامه‌ی چهارم توسعه، ۱۳۸٤–۱۳۸۸: ۱۲۰). برنامه‌ی پنجم توسعه در ماده‌ی ۲۳۰ با هدف تقویت نهاد خانواده و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان، «برنامه‌ی جامع توسعه‌ی امور زنان و خانواده» را تصویب نموده است (برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۹۰–۱۳۹٤: ۲۳٤).

سازمان‌های غیردولتی زنان

در برنامه‌های اوّل و دوم از سازمان‌های غیردولتی زنان سخنی به میان نیامده است. در برنامه‌ی سوم توسعه در بند «د» از ماده‌ی ۱۵۸ بر نقش سازمان‌های غیردولتی برای بهره‌گیری زنان از خدمات مختلف حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی تأکید شده و مرکز امور مشارکت زنان را موظّف به همکاری با دستگاه‌های اجرایی مربوط کرده است (برنامه‌ی سوم توسعه، ۱۳۷۹–۱۳۸۳: ٤۱۸). در برنامه‌ی چهارم توسعه در بند «د» از ماده‌ی ۱۰۰ آمده است که به منظور ارتقای حقوق انسانی و احساس امنیّت فردی و اجتماعی در جامعه، «منشور حقوق شهروندی» بر محور تأمین امنیت لازم برای رشد تشکّل‌های اجتماعی در زمینه‌ی صیانت از حقوق زنان تنظیم شود (برنامه‌ی چهارم توسعه، ۱۳۸٤–۱۳۸۸: ۱۲۱). در بند «د» از ماده‌ی ۱۱۱ از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی و تشکّل‌های زنان به منظور تقویت نقش زنان در جامعه و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور حمایت شده است (برنامه‌ی چهارم توسعه، ۱۳۸٤–۱۳۸۸: ۱۳۱). برنامه‌ی پنجم در ماده‌ی ۲۳۰ با هدف «استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان»، بر تدوین و تصویب «برنامه‌ی جامع توسعه‌ی امور زنان و خانواده» بر محور توسعه‌ی توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد تأکید کرده است (برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۹۰–۱۳۹٤: ۲۳٤).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

امنیّت اجتماعی و اخلاقی

از دهه‌ی اوّل انقلاب، مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی زنان از سوی نهادهای امنیّتی انتظامی همانند کمیته‌های انقلاب و بعدها نیروی انتظامی در قالب «گشت ارشاد» و «امر به معروف و نهی از منکر» و تا اندازه‌ای از سوی نیروی بسیج مردمی انجام شد، امّا به صورت رسمی در برنامه‌های اوّل تا سوم توسعه سخنی از آن به میان نیامده است. نخستین بار این ایده در سیاست‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۸: ۵۹). یکی از مهم‌ترین مصوّبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، راهبردهای گسترش عفاف است که آن را در جلسه‌ی ٥٦٦ مورّخ ۱۳۸٤/٥/٤ در چارچوب اصول و مبانی روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف (مصوّبه‌ی جلسه‌ی ٤۱۳، مورّخ ۱۳۷٦/۱۱/۱٤)، تصویب کرد. به موجب مصوّبه‌ی مذکور، رعایت نکردن پوشش اسلامی یا استفاده از پوشش یا آرایش مبتذل جزء تخلّفات اخلاقی دانشجویی و مشمول رسیدگی در کمیته‌ی انضباطی دانشجویان است. این سیاست‌ها بر فرهنگ‌سازی در حوزه‌ی عفاف و حجاب متمرکز شده و در این مصوّبه آمده است که امر مهمّ «رعایت و نیز باور پوشش نه به‌عنوان یک اجبار اجتماعی بلکه به‌عنوان یک ارزش انسانی، دینی و معنوی و یک باور قلبی جهت مصونیّت از زشتی‌ها و آسیب‌های اجتماعی» مطرح است (مصوّبه‌ی جلسه‌ی ۳۵۸، مورّخ ۱۳۷٤/٦/۱٤ و اوّلین گزارش ملّی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸: ۱٦۰). امّا برای نخستین بار در برنامه‌ی چهارم توسعه، شاخص «امنیّت اجتماعی و اخلاقی» گنجانده شده که منظور از آن ایجاد اقداماتی برای رشد تشکّل‌های زنان و کودکان بوده است؛ چنان‌که در برنامه‌ی چهارم توسعه در بند «د» از ماده‌ی ۱۰۰ آمده که به منظور برقراری امنیّت فردی و اجتماعی در جامعه، «منشور حقوق شهروندی» باید بر محور تأمین آزادی و امنیّت لازم برای رشد تشکّل‌های اجتماعی در زمینه‌ی صیانت از حقوق زنان و کودکان تدوین شود (برنامه‌ی چهارم توسعه، ۱۳۸٤-۱۳۸۸: ۱۲۱).

در برنامه‌ی پنجم توسعه، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب عامل ارتقای امنیّت اجتماعی و اخلاقی جامعه شناخته شده و در بند «ب» از ماده‌ی ۲۰۹ بر اجرای طرح جامع فرهنگ عفاف و حجاب متناسب با اقتضائات جامعه‌ی اسلامی تأکید گردیده است. هدف از اجرای این طرح، ارتقای امنیّت اجتماعی و اخلاقی جامعه عنوان شده و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مسؤول اجرای طرح معرّفی کرده است (برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۹۰-۱۳۹٤: ۲۰۳). برنامه‌ی پنجم در ماده‌ی ۲۳۰ با هدف تقویت جایگاه زنان در جامعه و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

همه‌ی زمینه‌ها به تدوین و تصویب «برنامه‌ی جامع توسعه‌ی امور زنان و خانواده» بر محور گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، زنان و خانواده اقدام کرده (برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۹۰-۱۳۹٤: ۲۳٤) و بر اساس ماده‌ی ۲۲۷، دولت موظّف شده است نسبت به تهیّه و تدوین «سند ملّی امنیّت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از ارگان‌های مربوط در سال‌های برنامه اقدام کند (برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۹۰-۱۳۹٤: ۲۳۳). در بند «ط» از ماده‌ی ۱۹٦ بر توسعه‌ی فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به کمک «بسیج جامعه‌ی زنان» به‌ویژه در فعّالیّت‌های مربوط به توسعه‌ی فرهنگ عفاف و حجاب و تحکیم بنیان خانواده تأکید شده است (برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۹۰-۱۳۹٤: ۱۹٦).

مشارکت زنان در امور فرهنگی

برنامه‌ی اوّل توسعه، در بخش سیاست‌های کلّی، تحدید موالید، بند ۳، به افزایش مشارکت زنان در امور اجتماعی و فرهنگی جامعه به‌وسیله‌ی آموزش و اجتناب از تفکّر دولتی نمودن امور فرهنگی اشاره کرده است (برنامه‌ی اوّل توسعه، ۱۳٦۸-۱۳۷۲: ۱۹ و ۲۳). برنامه‌ی دوم توسعه در بندهای ۹ و ۱۳ از بخش خط مشی‌های اساسی، مشارکت بیش‌تر بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی و آموزشی را عامل رشد فرهنگ عمومی دانسته است (برنامه‌ی دوم توسعه، ۱۳۷٤-۱۳۷۸: ۳۹). در برنامه‌ی سوم توسعه در بند «ن» از ماده‌ی ۷۱، بر توسعه‌ی مشارکت زنان به‌ویژه زنان بسیجی در فعّالیّت‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید شده است (برنامه‌ی سوم توسعه، ۱۳۷۹-۱۳۸۳: ۲۳). در برنامه‌ی چهارم توسعه در بندهای «الف» و «د» از ماده‌ی ۱۱۱، به «برنامه‌ی جامع توسعه‌ی مشارکت زنان» بر محور حمایت از سازمان‌های غیردولتی و تشکّل‌های زنان اشاره شده (برنامه‌ی چهارم توسعه، ۱۳۸٤-۱۳۸۸: ۱۳۱) و در برنامه‌ی پنجم توسعه، شاخص «مشارکت فرهنگی زنان» حذف گردیده است.

تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی

بر اساس مطالعه‌ی پنج برنامه‌ی توسعه‌ی جمهوری اسلامی می‌توان گفت هیچ‌یک از ۵۲ تبصره‌ی برنامه‌ی اوّل مربوط به زنان نیست و فقط در سیاست‌های کلّی و خط مشی‌ها، به شاخص‌های «آموزش»، «سواد»، «ارتقای سلامت مادران»، «مشارکت فرهنگی زنان در جامعه» و «اوقات فراغت زنان و دختران» اشاره شده است. در برنامه‌ی اوّل، هدف برنامه‌ریزان بیش‌تر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

آموزش و افزایش سواد و ارتقای فرهنگ زنان بوده که پیش‌شرط طرح و اجرای سایر برنامه‌های مربوط به زنان است و اجرای سایر اهداف برنامه از جمله آشنایی زنان با معیارهای ازدواج، کنترل موالید، آشنایی با حقوق خود، اهمّیّت دادن به سلامتی و مشارکت در امور فرهنگی جامعه، به عملی‌شدن آن وابسته بوده است. در واقع، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت در برنامه‌های اوّل و دوم توسعه درباره‌ی زنان برای کشوری با شرایطِ بعد از جنگ کارآمد بوده است. اهداف برنامه‌های اوّل تا چهارم درباره‌ی آموزش‌های دختران در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسّطه تقریباً تحقّق پیدا کرده‌اند و شکاف جنسیّتی در برنامه‌ی سوم و چهارم از میان رفته و حتّی به نفع دختران تمام شده است. بر اساس آمارهای جدول شماره‌ی یک، فاصله‌ی سوادآموزی بین زنان و مردان در سه دهه‌ی ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ از ۲۳/۲ درصد به ۰/۸ کاهش یافته و بر اساس آمار جدول شماره‌ی دو، میزان کلّ باسوادی زنان از ۵۱ درصد در سال ۱۳٦۵ به ۸۰ درصد در سال ۱۳۸۵ و میزان باسوادی دختران ۱۰ تا ۱٤ ساله از ۸۵ درصد در سال ۱۳٦۵ به ۹۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این آمارها نشان می‌دهد که بی‌سوادی دختران در سنّ سوادآموزی تقریباً از بین رفته و شکاف جنسیّتی در حوزه‌ی آموزش به کم‌ترین مقدار (۰/۸) رسیده است.

جدول شماره‌ی یک- میزان رشد باسوادی زنان و مردان از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

سال سرشماری	میزان باسوادی مردان (به درصد)	میزان باسوادی زنان (به درصد)	میزان اختلاف رو به کاهش (به درصد)
۱۳۵۵	۵۸/۸	۳۵/٦	۲۳/۲
۱۳٦۵	۷۱/۰	۵۱/۰	۲۰/۰
۱۳۷۰	۸۰/۱	٦۷/۱	۱۳/۰
۱۳۷۵	۸۵/۰	۷٤/۰	۱۱/۰
۱۳۸۵	۸۸/٤	۸۰/٤	۰/۸

(مأخذ: امانی، ۱۳۸٦: ۱۰۸؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵)

جدول شماره‌ی دو- میزان باسوادی زنان و دختران گروه سنّی۱۰ تا ۱٤ ساله در دو دهه‌ی ۱۳٦۵-۱۳۸۵

سال	۱۳٦۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
میزان کلّ باسوادی زنان	٪۵۱	٪٦۷	٪۷٤	٪۸۰
میزان کلّ باسوادی دختران ۱۰ تا ۱٤ ساله	٪۸۵	٪۹۳	٪۹٦	٪۹۸

(مأخذ: امانی، ۱۳۸٦: ۱۰۸؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در برنامه‌ی دوم توسعه تقریباً همه‌ی اهداف برنامه‌ی اوّل درباره‌ی زنان تکرار شده و ارتقای شاخص‌های آموزش و سواد بانوان برای کنترل باروری، اوقات فراغت و مشارکت فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که برنامه‌ی دوم را می‌توان تکرار برنامه‌ی اوّل درباره‌ی زنان دانست. تنها تفاوت برنامه‌ی دوم با برنامه‌ی اوّل درباره‌ی زنان در این است که یک تبصره از آن (تبصره‌ی ٦٥) به ورزش زنان اختصاص یافته است. «جمعیّت و تنظیم خانواده» یکی از موضوعات مهمّ برنامه‌های اوّل و دوم توسعه بوده که بر محور نقش اساسی زن تنظیم شده است. در زمان برنامه‌ی دوم، تأسیس و شروع فعّالیّت دو سازمان «دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری» و «کمیسیون امور بانوان وزارت کشور» گام بسیار مهمّی در تدوین و اجرایی کردن برنامه‌های توسعه در حوزه‌ی زنان بوده و موجب شده که بستر لازم برای تشکیل نهادها، سازمان‌ها و تشکیلات دولتی و غیردولتی در حوزه‌ی زنان در سال‌های بعد فراهم شود و زنان در امور مربوط به خود در مراحل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا مشارکت کنند. تأسیس «مرکز امور مشارکت زنان» در برنامه‌ی دوم توسعه و در نظر گرفتن پست مشاور زن ریاست جمهوری برای ارائه‌ی مشاوره به رئیس جمهور درباره‌ی مسائل زنان و طرح مسائل زنان از نگاه خود آن‌ها موجب شد که مسائل زنان به صورت جدّی‌تری در تدوین برنامه‌ی سوم مورد توجّه قرار گیرد.

برنامه‌ی سوم توسعه از نظر ساختار و نظام برنامه‌ریزی، تفاوت‌هایی با برنامه‌های اوّل و دوم توسعه دارد؛ به‌گونه‌ای که برای اوّلین بار، برنامه‌ی سوم به صورت مجموعه‌ای از مواد قانونی عرضه شده که در قالب فصول مختلف به مهم‌ترین مسائل اداره‌ی کشور در پنج سال پیشِ رو پرداخته و مواد خاصّی را به زنان اختصاص داده که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نیز دنبال شده است. یکی از دلایل اصلی توجّه به زنان در برنامه‌ی سوم، تحوّلات اجتماعی دوم خرداد ١٣٧٦ است که به روی کار آمدن دولت اصلاحات منجر شد. در دولت محمّد خاتمی در سال ١٣٧٦، «دفتر امور زنان ریاست جمهوری» به «مرکز امور مشارکت زنان» ارتقا یافت و بستر مناسبی برای مشارکت اجتماعی بیش‌تر زنان فراهم شد. بنابراین یکی از اساسی‌ترین اقدامات دولت هفتم، لحاظ کردن نیازهای زنان در برنامه‌ی سوم توسعه و به تبع آن، ایجاد سازوکارهای نهادی برای افزایش نقش زنان در جامعه و ارتقای جایگاه آنان در نظام برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای بهبود وضعیّت زنان بوده است. دولت اصلاحات با محور قرار دادن کلمه‌ی «مشارکت» به‌مثابه هدفی مهم و محوری توانست به بهبود موقعیّت زنان در جریان این برنامه کمک شایانی کند. برنامه‌ی سوم توسعه از بین ۱۹۷ ماده، ماده‌ی ۱۵۸ را به زنان اختصاص داده است که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در آن مؤلّفه‌های آموزش و سواد، ارتقای فرهنگ، اوقات فراغت و ورزش، حقوق شرعی و قانونی، سازمان‌های غیردولتی و مشارکت در امور فرهنگی زنان، مورد توجّه قرار گرفته‌اند. افزون بر این، در ماده‌ی ۷۱ این برنامه به «مشارکت فرهنگی زنان» به‌ویژه زنان بسیجی اشاره شده است. تحقّق اهداف برنامه‌های اوّل و دوم توسعه درباره‌ی آموزش و سواد و ارتقای فرهنگ زنان، بستر مناسبی را برای طرح سایر مطالبات زنان در برنامه‌های بعدی فراهم کرد. برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی، مشارکت زنان در انتخابات به صورت چشم‌گیری افزایش یافت و آن‌ها توانستند نگرش جدیدی را در دولت هفتم نسبت به خود ایجاد کنند و در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بگنجانند؛ برای نمونه، در برنامه‌ی سوم، بودجه‌ی مرکز امور مشارکت زنان از ٤٠ میلیون تومان در سال ۱۳۷٦ به ۲۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۸٤ افزایش یافت (اصغری و هنردوست، ۱۳۹۳).

ماده‌ی ۱۱۱ برنامه‌ی چهارم توسعه به زنان اختصاص دارد که در آن مؤلّفه‌های آموزش و سواد، ارتقای فرهنگ، اوقات فراغت و ورزش بانوان، حقوق شرعی و قانونی، سازمان‌های غیردولتی و مشارکت در امور فرهنگی لحاظ شده‌اند. بنابراین، مؤلّفه‌های برنامه‌ی سوم توسعه عیناً در برنامه‌ی چهارم توسعه تکرار گردیده‌اند. در برنامه‌ی پنجم توسعه، مواد ۲۲۷ و ۲۳۰ به زنان اختصاص دارد که در آن‌ها به شاخص‌های ارتقای فرهنگ، اوقات فراغت، حقوق شرعی و قانونی، سازمان‌های غیردولتی و امنیّت اجتماعی و اخلاقی زنان توجّه شده است. در این برنامه‌ی توسعه که از سوی دولت نهم تدوین شده است «مرکز امور مشارکت زنان» به «مرکز امور زنان و خانواده» تغییر یافته و در مواد مختلف در کنار کلمه‌ی «زنان» به کلمه‌ی «خانواده» اشاره شده که نشان‌دهنده‌ی تغییر رویکرد سیاست‌گذاری دولت نهم از «زن‌محوری» به «خانواده‌محوری» است.

شاخص ورزش و اوقات فراغت زنان در برنامه‌ی اوّل تا پنجم توسعه به صورت متوالی تکرار شده و به بهبود تدریجی وضعیّت ورزش زنان در کشور منجر گردیده است. از جمله طرح‌ها و اقداماتی که در راستای ورزش و اوقات فراغت زنان در برنامه‌های توسعه در ایران انجام شده تأسیس مکان‌های ورزشی است. تعداد مکان‌های ورزشی دولتی بین سال‌های ۱۳۷٦ تا ۱۳۸۲ حدود ۲۲٤ درصد و تعداد ورزشکاران زن تحت پوشش سازمان تربیت بدنی بین سال‌های ۱۳۷٦ تا ۱۳۸۳ حدود ٤۲/۵۵ درصد رشد داشته است (آمار مرکز مشارکت زنان از وضعیّت پیشرفت زنان ایران، ۱۳۸٤: ۲۰). در سال ۱۳۸۳ به منظور ارتقای سلامت جسمی و روانی و شناسایی استعدادهای ورزشی دختران، ساعات و رشته‌های ورزشی دختران افزایش یافت و المپیادهای ورزشی دختران در مناطق روستایی و شهری در ۱٤ استان کشور برگزار شد (گزارش اجرای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ماده‌ی ۱۵۸ قانون برنامه‌ی سوم توسعه، ۱۳۷۹–۱۳۸۳: ۷۱–۷۳). در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ تعداد انجمن‌های ورزشی بانوان ۲۲/٦ درصد، تعداد هیأت‌های ورزشی بانوان ۳۱/٦٦ درصد و تعداد مکان‌های ورزشی دولتی ۱۱۸ درصد رشد داشته است (مشارکت زنان و دولت هشتم، ۱۳۸٤: ۱۸۳).

در برنامه‌های توسعه‌ی اوّل و دوم هیچ اشاره‌ای به حقوق زنان نشده و ابتدا در برنامه‌ی سوم و سپس در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، حقوق زنان مورد توجّه قرار گرفته است. وضعیّت زنان از بُعد حقوق شرعی و قانونی آن‌ها در برنامه‌ی سوم و تا اندازه‌ای در برنامه‌ی چهارم توسعه بهبود یافت، امّا در برنامه‌ی پنجم توسعه دوباره مورد بی‌توجّهی قرار گرفت. «حقّ حضانت» و «حقّ طلاق و ازدواج» از مهم‌ترین «حقوق شهروندی» زنان هستند که در برنامه‌های چهارم و پنجم به نفع زنان اصلاح شده‌اند. در این زمینه مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون اصلاح مقرّرات مربوط به طلاق و تعیین مقرّرات محدودکننده‌ی طلاق را در سال ۱۳۷۱ تصویب کرد که بر اساس آن، زوج قبل از طلاق موظّف به پرداخت مبلغی (با رأی دادگاه) به‌عنوان اجرت کارهایی است که زوجه در مدّت زندگی مشترک به‌عنوان خانه‌داری انجام داده است (اوّلین گزارش ملّی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸: ۱٤۹). هم‌چنین، این مجمع قانون تأدیه‌ی مهریّه به نرخ روز را در سال ۱۳۷٦ و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن را در سال ۱۳۷۷ تصویب کرد که بر اساس آن، چنان‌چه مهریّه‌ی زوجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت‌ها تأدیه نسبت به سال اجرای عقد محاسبه و پرداخت خواهد شد (همان: ۱٤۹). درباره‌ی حضانت فرزند از سوی مادر باید گفت که بر اساس قانون سابق، مادر در حضانت فرزند پسر تا دوسالگی و فرزند دختر تا هفت‌سالگی بر پدر مقدّم بود، امّا در سال ۱۳۸۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی مقرّرات مربوط به این حوزه را اصلاح کردند و به موجب ماده‌ی ۱۱٦۹ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۲/۹/۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرّر گردید: «برای نگه‌داری و حضانت طفل (اعمّ از اناث و ذکور) که ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا هفت‌سالگی اولویّت دارد و پس از آن با پدر است». در تبصره‌ی این ماده آمده است: «بعد از هفت‌سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه و پس از رسیدن به سنّ بلوغ، حضانت فرزند و تأمین مخارج هر دو برعهده‌ی پدر است». در واقع با این اصلاحیه، حقّ محدود حضانت زنان تعدیل شده و با وصف وجود ولایت پدر، کاستی‌های سابق جبران گردیده است. درباره‌ی ازدواج مجدّد مادر، در مواد ۱۱۷۰ و ۱۱۷۱ قانون مدنی آمده است: ازدواج مجدّد زنی که از همسر اوّل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خود فرزندانی دارد، موجب سلب حضانت او از فرزندانش می‌شود، البتّه در صورت فوت پدر، در هر حال حضانت با مادر است و ازدواج مجدّد در آن اثر ندارد. امّا ازدواج مجدّد مرد مطلقه‌ی صاحب فرزند موجب سلب حضانت از او نمی‌شود (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

در برنامه‌های اوّل تا چهارم توسعه به امنیّت اجتماعی و اخلاقی زنان اشاره‌ای نشده است. این شاخص اوّلین بار در برنامه‌ی پنجم توسعه در بند «ب»، مواد ۲۰۹، ۲۲۷، ۲۳۰ و ۱۹۶ به منظور گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه لحاظ و در قالب طرح «امنیّت اخلاقی» اجرا شد. مسؤول اجرای این طرح، نهادها و سازمان‌هایی نظیر بسیج زنان، نیروی انتظامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز امور زنان ریاست جمهوری شناخته شده‌اند. در سال دوم برنامه‌ی پنجم توسعه، در خرداد سال ۱۳۹۲، «مرکز امور زنان» به «معاونت زنان و امور خانواده» و در مرداد همان سال، ریاست این مرکز از «مشاور رئیس‌جمهور در امور بانوان» به «معاون رئیس‌جمهور در امور بانوان» ارتقا یافت که متأثّر از افزایش سهم زنان در هیأت دولت و اثرگذاری آن در تدوین برنامه‌های مربوط به زنان است که از سوی خود زنان پیگیری شده است (اصغری و هنردوست، ۱۳۹۳).

از انتقادات وارد بر برنامه‌ی پنجم، حذف شاخص «مشارکت در امور فرهنگی زنان» و تفسیر امنیّتی از شاخص «امنیّت اجتماعی و اخلاقی» است. نگاه امنیّتی و نه فرهنگی به مسأله‌ی حجاب و عفاف و حذف شاخص «مشارکت زنان در امور فرهنگی» در برنامه‌ی پنجم توسعه، موجب انجام اقدامات محدودکننده‌ای برای زنان در حوزه‌ی عمومی و حوزه‌ی فرهنگ در سال‌های اجرای این برنامه شد. زنان امروزی به دلایل بسیاری از جمله افزایش سطح مهارت و سواد، تقاضا برای کار در بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه در بخش خدمات، کاهش بُعد خانوار (۳/۶)، کاهش فرزندآوری (۱/۹)، تغییر سبک زندگی و کاهش کارهای خانگی و به تبع آن افزایش میزان اوقات فراغت و مهم‌تر از همه، آگاهی نسبت به حقوق شهروندی خود تمایل دارند که بیش‌تر در عرصه‌ی عمومی فعّالیّت کنند، امّا هنوز بسترهای لازم برای آن در جامعه فراهم نشده و این حضور با مقاومت‌هایی از سوی جامعه و دولت همراه است. هنوز بسیاری از مکان‌های عمومی از جمله سالن‌ها و مکان‌های ورزشی بر روی تماشاچیان زن بسته است و زنان اجازه‌ی تک‌خوانی و هم‌خوانی در عرصه‌ی عمومی و هنری را ندارند. دستگاه‌های دولتی نظیر مجلس، نیروی انتظامی، دانشگاه، شهرداری و مدرسه با تصویب و اجرای برخی قوانین درصدد محدود کردن یا کنترل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

حضور زنان در عرصه‌ی عمومی هستند. مواردی نظیر طرح تفکیک جنسیّتی در دانشگاه‌ها، طرح محرم‌سازی مدارس دخترانه، تصویب قانون جدید گذرنامه برای خانم‌ها که بر اساس آن زن بدون اجازه‌ی شوهر اجازه‌ی دریافت گذرنامه و خروج از کشور را ندارد، طرح تفکیک مترو و مراکز اداری شهرداری تهران، بررسی ممنوعیّت پوشش ساپورت برای خانم‌ها در مجلس شورای اسلامی، اسیدپاشی بر روی زنان اصفهانی و تصویب طرح امر به معروف و نهی از منکر در مجلس همه اقداماتی برای محدود کردن بیش‌تر حضور زنان یا کنترل آن‌ها در چند سال گذشته بوده است.

برنامه‌های اوّل تا پنجم توسعه در بندها و ماده‌های گوناگونی به نقش مرکز امور مشارکت زنان و وظایف آن اشاره کرده و از این نظر توانسته‌اند در حوزه‌ی سیاست‌گذاری زنان در برنامه‌های توسعه، وظایف مهمّی را به مرکز امور مشارکت زنان واگذار نمایند که بیانگر بهبود جایگاه زنان در جمهوری اسلامی و تغییر نگرش برنامه‌ریزان نسبت به زنان است. برنامه‌های توسعه در بندها، ماده‌ها و تبصره‌های گوناگونی به وظایف و همکاری مرکز امور مشارکت زنان با سایر نهادها در برنامه‌ریزی و اجرای این برنامه‌ها پرداخته‌اند. از جمله برنامه‌های دولت برای بهبود ارتقای فرهنگ زنان در جامعه، فعّالیّت حدود ٤٧٨ مرکز مشاوره قبل از ازدواج تا سال ۱۳۷۸ بوده است. مرکز امور مشارکت زنان با همکاری سازمان صدا و سیما در سال ۱۳۸۰ توانست به منظور ارتقای فرهنگ و تغییر نگرش نسبت به زنان، سریالی ٢٦ قسمتی تهیّه کند (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۳-۱۳۸۹: ٤٥). برای ارتقای سطح فرهنگی و اقتصادی زنان روستایی نیز جشنواره‌ای ملّی با عنوان «زن، هنر و روستا» با همکاری وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد. از جمله اقدامات انجام‌شده در این جشنواره می‌توان به برنامه‌های هفته‌ی زن و انتشار اوّلین شماره‌ی ماهانه‌ی ویژه‌ی زنان و دختران روستایی اشاره کرد. هم‌چنین جزوات آموزشی و فرهنگی–خبری برای مدّت یک سال به صورت ماهانه منتشر شد (مشارکت زنان و دولت هشتم، ۱۳۸٤: ۳۷).

در برنامه‌های اوّل و دوم توسعه هیچ اشاره‌ای به نقش سازمان‌های غیردولتی زنان نشده است. از برنامه‌ی سوم به بعد، به رشد و مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی و کاهش نقش تصدّی‌گری دولت توجّه شده و آن را موجب طرح مطالبات زنان از دولت و افزایش مشارکت آن‌ها در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها دانسته‌اند. لازم به یادآوری است که اکثر بندها و ماده‌های برنامه‌های توسعه برای تحقّق کامل این اهداف، عیناً در برنامه‌های بعدی تکرار شده‌اند. بر اساس ماده‌ها و بندهای اشاره شده در این بخش می‌توان گفت که بسیاری از ماده‌ها و بندها از برنامه‌ی اوّل تا پنجم توسعه، به‌صراحت به نقش مشارکت فرهنگی زنان در چارچوب نهادهای مردمی و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سازمان‌های غیردولتی زنان و قائل شدن نقش نظارتی و هدایتی برای دولت، اشاره کرده‌اند. سازمان‌های غیردولتی زنان در سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، رشد زیادی کرده است. بر اساس آمارها، تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان از ۵۵ سازمان در سال ۱۳۷۵ به ۲۸۹ سازمان در پایان سال ۱۳۸۰ افزایش یافته که رشدی حدود سه برابری را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۳، ٤٨٠ سازمان غیردولتی زنان ثبت شده که ۱۳۲ سازمان در زمینه‌ی فعّالیّت‌های خیریّه، ۲٤٥ سازمان در زمینه‌ی فعّالیّت‌های فرهنگی-اجتماعی و ۱۱۲ سازمان در زمینه‌ی فعّالیّت‌های تخصّصی صنفی مجوّز گرفته‌اند (آمار مرکز امور مشارکت زنان از وضعیّت پیشرفت زنان ایران، ۱۳۸٤: ۲۰). تصویب برنامه‌ی توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی زنان مصوّب شورای سیاست‌گذاری اولویّت‌های توسعه‌ی ملّی موسوم به «گام دوم رئیس جمهور» در سال ۱۳۷۹، با هدف تقویت استعدادهای زنان در قالب تشکّل‌های مردمی، ظرفیّت‌سازی و ایجاد فضای مناسب تا مراحل تکوینی در جهت ارتقای کیفی آن سازمان‌ها برای تحقّق اهداف توسعه‌ای صورت پذیرفت (مشارکت زنان و دولت هشتم، ۱۳۸٤: ۱۰۸). وزارت کشور در زمان اجرای برنامه‌ی سوم توسعه، طرح «توسعه‌ی مشارکت زنان در سطح کشور با تأکید بر نقش محوری زن در خانواده» را اجرا کرد که هدف آن کمک به ایجاد تشکّل‌های غیردولتی زنان برای افزایش مشارکت آن‌ها در جامعه بوده است. در این طرح تلاش شد با واگذاری فعّالیّت‌های اجرایی، بر اساس حوزه‌ی تخصّصی فعّالیّت این سازمان‌ها، از سازمان‌های مذکور حمایت شود (گزارش اجرای ماده‌ی ۱۵۸ قانون برنامه‌ی سوم توسعه، ۱۳۷۹-۱۳۸۳: ۱۱۹ و ۱۲۱).

به رسمیّت شناختن مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان در برنامه‌های توسعه‌ی جمهوری اسلامی موجب رشد حضور آن‌ها در امور فرهنگی در طول برنامه‌ها شد. در سال ۱۳۸۳ تعداد کتاب‌های منتشرشده از سوی زنان نویسنده و اهل قلم ایران ٥٦١٣ نسخه، تعداد زنان اهل قلم و صاحب اثر ۲۸۱۱ نفر و تعداد آثار زنان فیلم‌ساز مطرح ۲٦۸ مورد گزارش شده است. ایجاد کتابخانه‌ی تخصّصی زنان و تدوین دایره‌المعارف زنان توسّط مرکز امور مشارکت زنان از سال ۱۳۷٦، از جمله مهم‌ترین تدابیر حمایتی-حفاظتی از زنان در جمهوری اسلامی ایران است (اوّلین گزارش ملّی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸: ۱۵۲). برای مشارکت اجتماعی زنان در کاهش مشکلات زیست‌محیطی کشور، سازمان حفاظت محیط زیست نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط و آموزش بانوان در ٤ استان منتخب در سال ۱۳۸۱، ۱۲ استان در سال ۱۳۸۲ و ۱۲ استان در سال ۱۳۸۳ اقدام کرده و کتاب «ارتقای دانش زیست‌محیطی زنان برای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

توسعه‌ی پایدار» با همکاری دانشگاه شهید بهشتی و سازمان حفاظت محیط زیست منتشر شده است (مشارکت زنان و دولت هشتم، ۱۳۸٤: ۹۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج مقاله‌ی حاضر، برنامه‌های توسعه از هماهنگی و انسجام لازم برای پیگیری اهداف فرهنگی زنان برخوردار بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که شاخص‌های «آموزش و سواد»، «ارتقای فرهنگ»، «اوقات فراغت و ورزش» و «مشارکت در امور فرهنگی» در همه‌ی برنامه‌ها تکرار شده‌اند. در برنامه‌ی سوم «حقوق شرعی و قانونی» و «سازمان‌های غیردولتی» و در برنامه‌های چهارم و پنجم «امنیّت اجتماعی و اخلاقی» اضافه و در برنامه‌ی پنجم «آموزش و مشارکت فرهنگی زنان» حذف گردیده‌اند.

الگوی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی، دولتی با مداخله‌ی بیشینه در فرهنگ است که در آن، سیاست فرهنگی از سوی دولت به صورت متمرکز تدوین و توسّط نهادها و سازمان‌های دولتی اجرا می‌شود و نقش سازمان‌های غیردولتی بسیار اندک است. اگرچه دولت جمهوری اسلامی ایران در زمان اصلاحات کوشید از نقش بیشینه‌ی دولت در سیاست‌ها و تصمیمات فرهنگی بکاهد- چنان‌که در برنامه‌های توسعه در بندها، ماده‌ها و تبصره‌های گوناگونی به نقش سازمان‌ها غیردولتی زنان در کنار نهادهای دولتی اشاره شده است- امّا در عمل این سازمان‌ها در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجرای آن‌ها نقش مهمّی ندارند.

موقعیّت زنان در جمهوری اسلامی در ابعاد آموزشی، ارتقای فرهنگ، سازمان‌های غیردولتی، ورزش و اوقات فراغت و مشارکت فرهنگی، نسبت به گذشته بهبود نسبی یافته است. امّا شاخص حقوق شرعی و قانونی، همه‌ی حقوق زنان را شامل نمی‌شود؛ هرچند در این بُعد برخی از اصلاحات حقوقی نظیر اصلاح حقوق «ازدواج و طلاق» و «حضانت» صورت گرفته است. از آن جا که زنان در برخی از حقوق با مردان نابرابر هستند، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آتی توسعه، شاخص حقوق شرعی و قانونی به «حقوق شهروندی» ارتقا یابد و اصلاحات بیش‌تر و عام‌تری از حقوق زنان را در موضوعات تحصیل، اشتغال، دریافت گذرنامه، خروج از کشور و ... شامل شود. ضمناً چون نگاه برنامه‌ریزان به شاخص «امنیّت اجتماعی و اخلاقی» بر محور زنان و نه مردان متمرکز و بیش‌تر بر اساس کنترل و نظارت پلیسی است، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آتی توسعه‌ی فرهنگی، سیاست‌های کنترلی کاهش یابد و بر ارتقای فرهنگ رفتاری تأکید شود. در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

برنامه‌های اوّل تا چهارم توسعه مقصود از مشارکت زنان در امور فرهنگی، مطالعات و تحقیقات درباره‌ی زنان، حضور در همایش‌ها و مجامع بین‌المللی و همکاری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و محیط زیستی تعریف شده که در برنامه‌ی پنجم حذف گردیده است. لازم است در برنامه‌ریزی‌های آینده ضمن توجّه مجدّد به این شاخص، سایر ابعاد مشارکت فرهنگی نظیر هنر، موسیقی، سینما، کتاب‌خوانی و ... مورد توجّه قرار گیرند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. آمار مرکز امور مشارکت زنان از وضعیّت پیشرفت زنان ایران (۱۳۸٤) «هشت سال کار برای زنان، گفتگویی با زهرا شجاعی»، **مجلّه‌ی زنان**، شماره‌ی ۱۲۱.

۲. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱) **مقدّمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی**، تهران: جامعه‌شناسان.

۳. اصغری، فیروزه و هنردوست، عطیه (۱۳۹۳) «مطالعه‌ی تطبیقی وضعیّت و جایگاه زنان در ایران و مالزی بر اساس شاخص نابرابری جنسیّتی»، **زن در توسعه و سیاست**، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی ۱، صص ۹۲-۷۵.

٤. اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوّب شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۱) **مجلّه-ی آزما**، شماره‌ی ۱۵ و ۱٦، صص ٦۰-٦۳.

۵. امانی، سیّد مهدی (۱۳۸٦) **مبانی جمعیّت‌شناسی**، تهران: سمت.

٦. ــــــــــــــ (۱۳۸۰) **جمعیّت‌شناسی عمومی ایران**، تهران: سمت.

۷.**اوّلین گزارش ملّی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران** (۱۳۷۸) سازمان برنامه و بودجه با همکاری سازمان ملل متّحد، تهران: مرکز مدارک اقتصادی–اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

۸.رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۱) «جایگاه دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی و دامنه‌ی تأثیرگذاری آن»، **فصلنامه‌ی فرهنگی–اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی**، شماره‌ی ۳۳.

۹.سرشماری خلاصه‌شده‌ی سال ۱۳۸۵، **سایت مرکز آمار ایران**.

۱۰. صالحی امیری، سیّد رضا و حیدری‌زاده، الهه (۱۳۸۷) **ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک.

۱۱. صالحی امیری، سیّد رضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷) **مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک.

۱۲. صالحی امیری، سیّد رضا و کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷) **مقدّمه‌ای بر مراحل اجرایی برنامه‌ریزی جامع فرهنگی**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک.

۱۳. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸٦) «سیاست‌گذاری فرهنگی»، جزوه‌ی درسی دانشگاه علّامه طباطبایی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، گروه مطالعات فرهنگی، برگرفته از: **سایت فرهنگ‌شناسی**.

۱٤. فاضلی، نعمت‌الله و قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲) **نگرشی نو به سیاست فرهنگی**، تهران: تیسا.

۱۵. فرهنگ عمومی، اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوّب شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۱) **مجلّه‌ی آزما**، شماره‌ی ۱۵ و ۱٦.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۶. **گزارش اجرای ماده‌ی ۱۵۸ قانون برنامه‌ی سوم توسعه** (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، تهران: مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری.

۱۷. **مجموعه قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی اوّل توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸-۱۳۷۲.**

۱۸. **مجموعه قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، ۱۳۷٤-۱۳۷۸.**

۱۹. **مجموعه قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹-۱۳۸۳.**

۲۰. **مجموعه قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، ۱۳۸٤-۱۳۸۸.**

۲۱. **مجموعه قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰-۱۳۹٤.**

۲۲. مصوّبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، سایت رسمی دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی: **www.iranculture.org/provs/date.php**1388.:

۲۳. منصور، جهانگیر (۱۳۸۹) **قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دیدار.

۲٤. وحید، مجید (۱۳۸٦) «بحثی در سیاست‌گذاری فرهنگی»، **فصلنامه‌ی سیاست**، دوره‌ی سی و هفتم، شماره‌ی ۳.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]